



## مقدمه

التفات از جمله شاخصه های کلامی است که نشانه تغییر خطاب گوینده است و به سبب کاربرد فراوان، به یکی از اسلوب های ویژه قرآنی مبدل گشته. در این پدیده، گوینده به سبب برانگیختن تأثیرات بلاغی، مسیر خطاب خود را تغییر داده، و از زاویه ای دیگر کلام خود را پی می گیرد و سپس کلام را به مسیر اصلی خود بازمی گرداند. این تغییر، انواع گوناگونی همچون تغییر در ضمایر، عدد، مخاطب، زمان افعال، حالت دستوری و کاربرد اسم به جای ضمیر را در بر می گیرد که تغییر در ضمایر اول، دوم و سوم شخص شایع ترین نوع آن به شمار می آید. (حری، ۱۳۹۰، ۱۸) در این میان آیه ۲۲ یونس (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَأَن نُّنَجِّيَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) به سبب برخورداری از التفات های متعدد، به ویژه تغییر ضمیر از مخاطب به مغایب، در بازگردانی به زبان فارسی دچار پیچیدگی هایی شده است. لذا مترجمان درباره وفاداری به ظاهر متن مقدس قرآن یا مطابقت ترجمه با شکل ساختاری زبان مقصد (فارسی) دچار دوگانگی شده اند. در همین راستا این نوشتار پس از تبیین صنعت ادبی التفات در گفتمان قرآنی و آرای مفسران قرآن، به بررسی دیدگاه مترجمان در بازگردانی این آیه پرداخته و با تکیه بر اصول ترجمه، اسلوب صحیح بازگردانی التفات به زبان فارسی را برگزیده است.

## مفهوم شناسی واژه التفات

این واژه در معاجم عربی از مصدر باب افتعال و از ریشه فعل «لفت» به معنای روی برگردانیدن از کسی یا چیزی، معنا شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۲، ۸۴) تاج العروس نیز با استناد به نمونه های قرآنی این واژه همچون آیه ۸۱ هود (وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا

اُمْرَأَتُكَ)؛ (و هیچ کس از شما جز همسرت نباید واپس بنگردد.) (فولادوند، ۱۴۱۵، ۱، ۲۳۱) التفات را به معنای روی گردانی و اعراض از چیزی معنا نموده است. و استعمال عرب را نیز به همین معنا دانسته. لذا هنگامی که عرب می گوید: ما لَفْتُكَ عن فلانٍ؟ به این معناست که چه چیزی تو را از وی منصرف و روی گردان نمود؟ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۳، ۱۲۶). معنای لغوی التفات در زبان فارسی، عبارت است از: «نگریستن، باز پس نگریستن، برگشته نگریستن و به گوشه چشم نگریستن.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱، ۳۷۸).

در معنای اصطلاحی این واژه نیز دو دیدگاه از سگاک و دیگر بلاغیون مطرح گردیده. سگاک معتقد است وقتی کلام اقتضای یکی از حالات تکلم، خطاب یا غیبت را داشته باشد و متکلم خلاف آن را بیاورد، التفات رخ داده است. جمهور بلاغیون بر این باورند که هرگاه در کلام دو طریق از طرق سه گانه مخاطب، متکلم و مغایب استفاده شود و طریق دوم برخلاف طریق اول و نیز برخلاف اقتضای ظاهر و انتظار شنونده باشد، التفات پدید آمده است. (زاهد، ۱۳۹۰، ۴۸) شایان ذکر آنکه مرجع کلماتی که در این تغییر سخن به کار می روند، همگی یک چیز است. سرانجام چنان که هویدا است، معنای لغوی و اصطلاحی واژه در یک راستا قرار گرفته؛ چنان که التفات در لغت به معنای صرف نظر نمودن و در اصطلاح نیز به معنای انصراف و اعراض از حالتی که کلام مقتضی آن است به حالتی متفاوت تعبیر شده است.

### پیشینه بحث التفات

صنعت التفات از صنایع بلاغی و از زیرشاخه های علم معانی است؛ از این رو پیشینه پژوهش در آن را باید در آثار بلاغی یافت. در این باره به کتاب هایی همچون *بدیع القرآن*، از ابن ابی الأصعب (م ۵۶۴)، *مختصر المعانی*، از تفتازانی، *اسلوب الاثفات فی البلاغة القرآنیة*، از حسن طبل، *خطاب های قرآنی* از محمد مهدی قربانی و *تأثیر آموزه های بلاغی (علم معانی) در ترجمه از عربی به فارسی* (پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب دانشگاه اصفهان)، از علی زاهد پور می توان اشاره نمود که هر یک قسمتی از مباحث خود را به بررسی التفات اختصاص داده اند. همچنین در خصوص این صنعت به مقالاتی از

جمله «بررسی شگرد قرآنی التفات در پرتو ساختار اطلاعات گفتمانی»، از ابوالفضل حزقی، «گونه‌شناسی صنعت التفات در قرآن مجید با توجه به مؤلفه‌های گفته‌پردازی»، از نادره سادات سارکی، «بازنگری معنایی در التفات بلاغی و اقسام و کارکردهای آن»، از هما رحمانی و عبد الله رادمرد و «کاربرد التفات در بافت کلام الهی»، از دو نویسنده اخیر هم می‌توان اشاره کرد. اما نوآوری این اثر در آن است که با بررسی موردی التفات در آیه ۲۲ یونس، درصدد ارائه الگویی روان در ترجمه آن به زبان فارسی بوده است.

### فایده التفات

زمخشری از برجسته‌ترین مفسرانی است که به فلسفه رخ دادن التفات جواب درخور و شایسته‌ای داده است. وی دو فایده عام و خاص برای التفات برمی‌شمرد. فایده عام که خواننده را بیدار و هوشیار ساخته و وی را از حالت یکنواختی خارج می‌سازد، (زمخشری، ۱۹۵۳، ۱، ۱۷۲) تمام کتب بلاغی سنتی و معاصر عربی و فارسی به پیروی از وی به این کارکرد اشاره کرده‌اند. و فایده خاص که نه تنها زمخشری، بلکه بلاغیون پس از او نیز جداگانه به شرح آن پرداخته‌اند، و تنها ضمن تفسیر آیاتی از قرآن که صنعت التفات سبب برجستگی آنها شده، به بیان این فواید خاص پرداخته‌اند. (رحمانی و رادمرد، ۱۳۹۱، ۱۶۱) با این حال، یکی از محققان مواردی همچون بیان کمال قدرت خداوند، تعظیم شأن، تحقیر و استخفاف، تهدید، نصیحت، کنایه و تأکید را از جمله فواید خاص التفات برشمرده است. (علی پور، ۱۳۹۰، ۴۳-۷۲)

### بررسی آرای مفسران قرآن در التفات از مخاطب به غایب

این نوع از التفات در کمتر از ۳۰ مورد در قرآن به کار رفته که ادیبان در بیان علت آن به اقوال متعددی متمسک شده‌اند. گروهی این تغییر را به سبب رفع انکار و تردید و گروهی کاربرد این شیوه را مبین تعجب و حیرت دانسته‌اند. (رادمرد، رحمانی، ۱۳۹۱، ۱۵) مفسران نیز در تبیین علت التفات در آیه ۲۲ یونس آرای گوناگونی مطرح نموده‌اند. در این

میان اولین رأی را می توان از آن زمخشری دانست که بسیاری از مفسران به تبعیت از وی التفات را بدین گونه معنا کرده‌اند. زمخشری هدف از این التفات را مبالغه می‌داند، گویی خداوند برای افرادی غیر از کشتی نشینان حالشان را به تصویر می‌کشد تا آنها را به شگفتی وادارد و به انکار و تقبیح مشرکان پردازند. (زمخشری، ۱۹۵۳، ۲، ۲۲۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۷، ۲۳۴؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ۶، ۳۳)

علامه طباطبایی با بیان نظریه دوم، هدف از این التفات را دو مورد بیان نموده است. اول آنکه پیامبر به جای مردم ناسپاس مخاطب قرار گیرد و با شنیدن رفتار مشرکان، متعجب شده و آنان را انکار نماید. دوم آنکه این التفات حاکی از روی گردانی خداوند از مردم است؛ زیرا آنان با کردارشان لیاقت قرار گرفتن در مقام مخاطب مستقیم پروردگار را از دست داده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵۵) ابن اثیر نیز دیدگاه دوم در التفات این آیه را برگزیده است. وی انتقال ضمیر از دوم شخص به سوم شخص را نشانه زشتی عمل مخاطبان دانسته که موجب شده پروردگار از آنان روی گرداند. (رادمرد، رحمانی، ۱۳۹۱، ۱۶۱) فخر رازی التفات از غایب به مخاطب را نشانه علو درجه مخاطبان دانسته که پروردگار بی پرده با آنان سخن می‌گوید و التفات از دوم شخص به سوم شخص نظیر این آیه را نشانه تحقیر مخاطبان توصیف کرده که خداوند از هم کلامی با ایشان روی گردان می‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۷، ۲۳۴) قرشی نیز اعراض از مخاطب را مقصود این التفات دانسته است. (قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۸۶)

ابو حیان اندلسی در بیان سومین دیدگاه پیرامون این قسم از التفات، به تغییر مخاطبان در آیه شریفه اشاره نموده است. وی با تأمل در آیه تصریح کرده که خداوند در بر شمردن نعمت‌ها که شامل هردو گروه مؤمنان و مشرکان بوده، از ضمیر مخاطب استفاده نموده؛ که هدف از بیان این نعمت‌ها نیز شکرگزاری توحیدمداران و بیدار شدن گمراهان بوده است؛ لیکن هنگامی که از غرق شدن به عنوان مجازات ظالمان و تجاوزگران در زمین نام برده از ضمیر غایب استفاده نموده است. زیرا در این مورد روی سخن با مؤمنان که مخاطب قرآن هستند، نیست و این عذاب تنها شامل مشرکان بوده است. (ابو حیان

ابن عاشور نیز این نکته را یادآور شده که التفات در این آیه از اواخر ذکر نعمت‌های الهی شروع گردید تا بدین وسیله آشکار شود که مشرکان نیز از الطاف پروردگار بهره مند بوده‌اند. سپس این نعمت‌ها مقدمه‌ای بر نزول عذاب و هجوم بادهای سهمگین بر ایشان شده است. (ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵)

وجه مشترک نظریات گوناگون درباره التفات مذکور در این آیه، یکی بودن مخاطب در همه ضمایر و یکپارچگی سیاق آیه شریفه است، به گونه‌ای که ابن عاشور و برخی از مفسران تصریح نموده‌اند که ضمایر مخاطب و غایب در آیه شریفه، همگی به مشرکان برمی‌گردد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۵۴؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵؛ عکبری، بی تا، ۱، ۱۹۳)

### سیاق سوره یونس

نزول این سوره مبارکه در اوائل بعثت بوده و چنان‌که از سیاقش پیداست یک باره نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۴۲) محتوای سوره از موضع گیری شدید مشرکان علیه آیین نوپای اسلام حکایت دارد. (قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۴۲) لذا سوره با بیان تکذیب مشرکان آغاز شده، در قسمت بزرگی از سوره به تهدید و انذار آنان پرداخته و در انتها با توصیه پیامبر بر استقامت بروحی به پایان رسیده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵-۶) در تقسیم بندی دقیق‌تر، آیه مورد بحث در میان آیات ۱۵ تا ۲۳ واقع شده که همگی از سیاق واحد پیروی می‌نمایند. در این آیات روی سخن با مشرکانی است که از پذیرش اسلام اعراض کرده، خواستار تغییر قرآن هستند که در مقابل، ابتدا پیامبر و سپس پروردگار به محاجّه با آنان پرداخته‌اند. آنچه در بررسی التفات در آیه ۲۲ این سوره شریفه حائز اهمیت است، عدم تغییر حقیقی مخاطب در تمام این آیات است. لذا به طور قطع جایگزینی ضمایر غایب به جای مخاطب را باید نمونه‌ای از کاربرد صنعت التفات در آیه شریفه دانست.

## سیاق آیات ۲۱-۲۳ سوره یونس

این آیات خطاب به مشرکان نازل شده و پس از آنکه پروردگار ایشان را به سبب پرستش بی حاصل اصنام نکوهش فرموده، با بیان نمونه ای از حالات انسانی آنان، به اثبات یگانگی خویش پرداخته است. خداوند در آیه ۲۱ رفتار مشرکان ناسپاس را وصف نموده که پس از رهایی از مشکلات، نه تنها شاکر نبوده و به حقانیت قرآن ایمان نمی آورند، بلکه مست نعمت شده و با مکر و حيله در راستای نابودی کلام الهی برمی آیند، در حالی که مکر خداوند سریع تر و گیراتر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۴۷) سپس آیه ۲۲ یونس در مقام تفسیر آیه قبل برآمده و نزول رحمت الهی در اوج سختی ها را تشریح می نماید. ابتدا به یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی که حرکت انسان در دریا و خشکی است اشاره نموده، سپس حال کشتی نشینانی را وصف نموده که ناگهان تندبادی بر آنان می وزد و امواج طوفانی از هرسو آنان را احاطه می نماید. مسافران که خود را در کام مرگ می بینند خداوند را از روی اخلاص عقیده می خوانند که اگر ما را از این ورطه نجات دهی به طور قطع از شکرگزاران خواهیم بود، ولی همین که پروردگار نجاتشان می دهد، دوباره بناحق در زمین ستمگری می نمایند، در حالی که این ظلم به ضرر خود آنهاست و پس از بهره ای کوتاه از زندگی دنیا، به سوی پروردگار باز می آیند. (یونس / ۲۳).

چنان که اشاره گردید، این آیات خطاب به مشرکان نزل یافته و به رغم تغییر ظاهری ضمائر در آیه ۲۲ یونس، مخاطب همچنان مشرکان هستند و عتاب متوجه آنان است.

## التفات در آیه ۲۲ یونس

این آیه شریفه به سبب داشتن چندین التفات در زمره مشکل ترین آیات از منظر ترجمه قرار گرفته است. آیه با ضمیر غایب شروع شده (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرْكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ)، سپس با ضمیر مخاطب ادامه یافته (حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِّ)، آن گاه غایب (وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) و سرانجام با ضمیر متکلم (لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) به پایان رسیده است. در این میان، ترجمه التفات دوم آیه شریفه

که ضمیر از مخاطب به غایب تغییر یافته، پیچیده و دشوار است؛ زیرا خواننده گمان می‌کند که مخاطب تغییر یافته، در حالی که سیاق همچنان در روند یکسانی ادامه می‌یابد و لذا دچار سردرگمی و ابهام در معنای متن می‌گردد.

### آرای مترجمان در چگونگی بازگردانی آیه ۲۲ یونس به زبان فارسی

مترجمان با توجه به اصول و مبانی متفاوتی که در ترجمه قرآن خود را بدان متعهد دیده‌اند، در بازگردانی این آیه از دو الگوی گوناگون استفاده کرده‌اند؛ دو الگویی که در طول تاریخ ترجمه پیوسته مورد بحث بوده و امروزه به عنوان سبک‌های متعدد بازگردانی شناخته می‌شود. از دیرباز مترجمان از دو قطب بزرگ و متضاد بازگردانی، یعنی ترجمه تحت اللفظی، دقیق، و وفادار به متن و ترجمه آزاد، روان و زیبا سخن می‌گفتند. گروهی که طرفدار ترجمه تحت اللفظی و متمایل به زبان مبدأ بودند، پرچم امانت‌داری را برافراشته، ترجمه آزاد را خیانت کارانه می‌پنداشتند و از آن می‌گریختند. در مقابل، گروهی دیگر که جانب محتوا و معنا را می‌گرفتند و به زبان مقصد تمایل نشان می‌دادند، به زیبایی و روانی ترجمه اعتقاد راسخ داشته، ترجمه تحت اللفظی را کور و کودکانه می‌دانستند. اما از آنجا که این تقسیم‌بندی از دقت و منطق لازم برخوردار نبود، موضع‌گیری در برابر هر کدام آسیب‌های خود را به همراه داشت. سرانجام پیترنیومارک در کتاب *روش‌های ترجمه*، بازگردانی را با توجه به اینکه هدف از ترجمه وفاداری به نویسنده یا خواننده ترجمه است، به دو نوع معنایی و ارتباطی تقسیم نمود و خاطر نشان ساخت که هیچ‌متنی را نمی‌توان به طور مطلق معنایی یا ارتباطی ترجمه کرد؛ لیکن با توجه به نوع متن و هدفی که از ترجمه دنبال می‌شود، یکی از وجوه غلبه می‌یابد. (نیومارک، ۱۹۸۱، ۳۹) از منظروی ترجمه معنایی ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساخت‌های دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می‌کند و ترجمه ارتباطی ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات و عبارات و ساخت‌های



دستوری به زبان مقصد برمی گرداند. (همان) در ترجمه قرآن به عنوان شاخص ترین متن دینی، گرایش مترجم به هریک از این الگوها چگونگی بازگردانی وی را معین می نماید. هرچند نکته حائز اهمیت در آن است که حتی در ترجمه معنایی مترجم باید از اختیارات محدود خویش استفاده کرده و به ساخت های دستوری در زبان مقصد توجه نماید.

### دیدگاه نخست در ترجمه التفات

الگوی نخست که عمده مترجمان بدان پایبند بوده اند، ترجمه بخشی از آیه به شکل مخاطب و بخشی دیگر به صورت غایب است، تا عین ضمایر و الفاظ متن به ترجمه منتقل گردد. در حقیقت این گروه بر این باور بوده اند که بازگردانی متن مقدس قرآن تنها با به کارگیری ترجمه معنایی که دقیق ترین معنا را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می کند، امکان پذیر است. لذا ترجمه آنها از آیه شریفه چنین است: «او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند، تا وقتی که در کشتی ها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند. [به ناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان بتازد و یقین کنند که در محاصره افتاده اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می خوانند که: «اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.» (یونس / ۲۲) (فولادوند، ۱۴۱۵).

چنان که مشخص است، مترجم ضمیرهای مخاطب «کم» در جمله «یسیرکم» و عبارت «حتی إذا کنتم فی الفلک» را به شکل مخاطب به فارسی بازگردانده و به ناگاه در ادامه ترجمه، براساس نص آیه که التفات از دوم شخص به سوم شخص در آن اتفاق افتاده، جملات را به شکل غایب بازگردانی نموده است. لذا پس از آنکه می گوید: او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند تا وقتی که در کشتی ها باشید، ضمایر متصل و منفصل را تغییر داده، می نویسد: آنها با بادی خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شادمان شوند و ...

مترجمان دیگری نیز در بازگردانی این آیه شریفه بدین الگو تمسک جسته و همچون

فولادوند ترجمه نموده‌اند. (ر.ک ترجمه های: ارفع، ۱۳۸۱؛ اشرفی، ۱۳۸۰؛ انصاریان، ۱۳۸۳؛ برزی، ۱۳۸۲؛ پاینده، بی تا؛ پور جوادی، ۱۴۱۴؛ حلبی، ۱۳۸۰؛ خسروی، ۱۳۹۰؛ خواجوی، ۱۴۱۰؛ رضایی، ۱۳۸۳؛ رهنما، ۱۳۴۶؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۸۰؛ سراج، بی تا؛ شعرانی، ۱۳۷۴؛ طاهری، ۱۳۸۰؛ فارسی، ۱۳۶۹؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸؛ جعفری، بی تا؛ گرمارودی، ۱۳۸۴؛ حجتی، ۱۳۸۴؛ مجتبوی، ۱۳۷۱؛ مشکینی، ۱۳۸۱؛ مصباح زاده، ۱۳۸۰؛ معزی، ۱۳۷۲؛ مکارم، ۱۳۷۳؛ دهلوی، ۱۴۱۷؛ انصاری، ۱۳۷۷؛ یاسری، ۱۴۱۵؛ قرآنتی، ۱۳۸۳؛ نویری، ۱۳۹۶)

### تحلیل و بررسی اسلوب نخست ترجمه التفات

چنان که اشاره گردید ریشه چنین ترجمه ای را می توان در پیش فرض های مترجم مبنی بر حفظ نص ظاهری قرآن جست و چون نمود. این گروه که در ادوار گذشته و نه چندان دور تنها ترجمه تحت اللفظی را صحیح قلمداد کرده، با برافراشتن پرچم امانت داری، ترجمه آزاد را خیانت به قرآن می دانستند، امروزه نیز افزون بر ترجمه های تحت اللفظی و تفسیری در ترجمه های آزاد خود نیز به رعایت ساختار زبان مبدأ در هر شرایطی پایبند هستند. ایشان در جهت نزدیکی هرچه بیشتر ترجمه به متن اصلی، معنای عبارات و کلمات را به شکل دقیق و فارغ از معنایی که در بافت متن یافته به زبان مقصد منتقل می نمایند. لذا به سبب آنکه مترجم از کاهش یا افزایش در ترجمه می پرهیزد، برخی از مفاهیم معنایی و ویژگی های دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد می شود و خواننده در مواردی از جمله ترجمه التفات، احساس می کند با مفاهیم و زبانی غیر معمول روبه روست؛ زیرا ترتیب کلمات و اجزای کلام از متن اصلی پیروی کرده و ترجمه رنگ و بوی زبان مبدأ را به خود گرفته است. (ناظمیان، ۱۳۸۶، ۲۵) در نتیجه مشکل نهفته در ترجمه التفات، نامأنوسی متن بازگردانی شده برای فارسی زبانان است؛ زیرا هیچ گاه در زبان فارسی در متنی پیوسته که مخاطبان یکسانی دارد، التفاتی بدین شکل رخ نمی دهد؛ لذا این ترجمه روان و ملموس نیست. در این میان، مرحوم فیض

الاسلام در ترجمه تفسیری خویش، برای از میان بردن غرابت ساختاری این اسلوب بازگردانی، با استفاده از توضیحات تفسیری به ترجمه التفات در آیه شریفه پرداخته است. ترجمه فیض الاسلام از این آیه شریفه چنین است: «(پس از آن برخی از نعمت های خود را بعد از سختی و گرفتاری یادآوری نموده می فرماید): اوست خدایی که شما را در خشکی و دریا (توانایی بر) سیرو گردش می دهد تا آنکه (برای رسیدن به مطلوب و خواسته خود به دریا رسیده و) در کشتی ها آرام گیرید، و (پس از آن برای آشکار ساختن تعجب و شگفت شنونده از حال و چگونگی کشتی نشینان از خطاب به غیاب بازگشته و روی سخن به دیگران نموده و می فرماید): کشتی ها با کشتی نشینان به وسیله باد پاکیزه (موافق و سازگار که کشتی ها را به سوی مقصود می برد) روان شدند، و کشتی نشینان با آن باد (که موافق و سازگار بود) شاد گشتند. (ناگهان) باد سخت و تند به آن کشتی ها وزید، و موج و غلطیدن آب ها روی هم از هر سو (ی دریا) به ایشان رو آورد، و دانستند که سخت گرفتار شده اند (هلاک و تباهی آنان را فراگرفته از ترس استخوان هاشان به لرزه آمد، امیدشان از همه جا بریده گشت) خدا را در حالی که خضوع و فروتنی را برای او خالص و پاک (بی رثاء و خودنمایی) گردانیده بخوانند به اینکه اگر ما را از این شدت و سختی نجات و رهایی دهی هر آینه از سپاسگزاران (نعمت های تو) خواهیم بود (جزتورا عبادت و بندگی نخواهیم نمود)». (یونس / ۲۲) (فیض الاسلام، ۱۳۷۸، ۲، ۴۰۷).

وی افزون بر حفظ ساختار زبان مبدأ توانسته ترجمه ای قابل فهم ارائه دهد، لیکن این مهم به کمک توضیحات تفسیری محقق شده و بحث این مقاله در مواردی است که هدف نگارنده صرفاً ارائه ترجمه روان فارسی است نه ترجمه تفسیری. بنابراین اشکال این نوع از ترجمه همچنان در جای خود باقی است.

### دومین دیدگاه در ترجمه التفات

دیدگاه دوم که مبتنی بر ترجمه ارتباطی از متن است، یکی از عوامل مهم در ترجمه را مخاطب و فهم او برمی شمارد. این گروه از مترجمان بر این باورند که اگر مخاطب متن را

درک نکنند و در فهم آن دچار ابهام گردد، بدیهی ترین هدف بازگردانی محقق نشده؛ زیرا متن با مخاطبان ارتباط لازم را برقرار نکرده است. بدون تردید رعایت نکردن اسلوب‌های ساختاری زبان مقصد که مخاطب براساس آنها سخن می‌گوید، می‌نویسد و می‌فهمد، یکی از عوامل ابهام زایی و از بین رفتن تأثیر معنای متن است. لذا با عنایت به مخاطبان قرآن که فراگیر و از همه قشرها به حساب می‌آیند، رعایت قواعد دستور زبان مقصد، برای فهم هرچه بیشتر مخاطب، اولین اولویت به شمار می‌آید. (ناظریان، ۱۳۸۶، ۴۱) بر همین اساس این دسته از مترجمان پیروی از ضمایر جمله مبدأ را برای تعیین ضمایر در بازگردانی همیشه کارساز نمی‌دانند، بلکه رعایت سیاق متن مبدأ در بازگردانی را شرط لازم تعریف می‌کنند نه ترجمه تک تک ساختارهای دستوری متن مبدأ. در نهایت مترجمان به اصل قرار دادن این اسلوب به دو نوع ترجمه از این آیه پرداخته‌اند که در ادامه به تبیین و بررسی هریک از آنها پرداخته می‌شود.

### نخستین بازگردانی مبتنی بر دیدگاه دوم در ترجمه التفات

نخستین ترجمه ای که آیتی با مبنا قرار دادن ترجمه ارتباطی ارائه داده است، تبدیل سیاق مخاطب آیه در بازگردانی به شکل غایب است. ترجمه وی از این آیه شریفه بدین شکل است: «اوست که شما را در خشکی و در دریا سیر می‌دهد. تا آن‌گاه که در کشتیها هستند و باد موافق به حرکتشان می‌آورد، شادمانند. چون توفان فرارسد و موج از هرسو بر آنها ریزد، چنان‌که پندارند که در محاصره موج قرار گرفته‌اند، خدا را از روی اخلاص عقیدت بخوانند، که اگر ما را از این خطر برهانی از سپاسگزاران خواهیم بود.» (یونس/۲۲) (آیتی، ۱۳۷۴، ۱، ۲۱۱).

وی به جز نخستین ضمیر مخاطب، سایر ضمایر متصل و منفصل آیه را اعم از غایب و مخاطب به شکل سوم شخص ترجمه نموده تا متن بازگردانی شده روان و ملموس گردد.

## تحلیل و بررسی ترجمه نخست مبتنی بر دیدگاه دوم

آیتی ضمیر مخاطب «کم» در قسمت ابتدایی آیه را به همان شکل مخاطب ترجمه کرده و نوشته: اوست که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد. لیکن ضمیر مخاطب دوم در عبارت «حتی إذا کنتم فی الفلک» را به شکل غایب ترجمه نموده تا با ادامه آیه که التفات صورت گرفته و ضمایر به شکل غایب آمده، هم خوانی یابد. این شیوه ترجمه بیانگر باور مترجم در لزوم هم خوانی متن بازگردانی شده با ساختار زبان مقصد است که موجب شده وی از الفاظ ظاهری قرآن عدول کرده و مطابق با ادبیات زبان فارسی ترجمه نماید. در حقیقت او نسبت به مترجمان گروه قبل به متن وفاداری کمتری نشان داده و فهم مخاطب را اولویت بخشیده است. لذا به قالب زبانی مخاطبان فارسی زبان نزدیک گشته است.

اما اشکال نهفته در این ترجمه عدم هم خوانی متن بازگردانی شده با سیاق آیه شریفه است؛ زیرا سیاق آیه به اذعان مفسران یکپارچه است و روی سخن در تمام آیه با مشرکان بوده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۵۴؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵؛ عکبری، بی تا، ۱، ۱۹۳) لذا نمی توان قسمت اول آیه را مخاطب ترجمه کرد و حرکت در دریا و خشکی را نعمت پروردگار برگروه حاضر دانست و سپس ادامه آیه را که بخشی از این نعمت، حرکت در دریا و رهایی از امواج خروشان آن است، خطاب به گروه غایب دانست. بنابراین، ترجمه یادشده به سبب عدم تطابق با سیاق آیه شریفه صحیح نیست.

## دومین بازگردانی مبتنی بر دیدگاه دوم در ترجمه التفات

الهی قمشه ای، عاملی، بروجردی و کاویانپور، دومین الگوی بازگردانی التفات مخاطب به غایب را بر پایه سبک ترجمه ارتباطی ارائه کرده اند. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۹، ۲۱۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ۱، ۳۵۹؛ کاویانپور، ۱۳۷۸، ۱، ۲۱۱؛ عاملی، ۱۳۶۰، ۵، ۲۶) آنان از التفات رخ داده در آیه شریفه چشم پوشیده و تمام آیه را به شکل یکپارچه، مخاطب ترجمه کرده اند. بازگردانی آیه شریفه براساس این اسلوب چنین است: «او آن خداوندی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد و اگر در کشتی باشید باد موافقی بوزد شاد

و مسرور و خوشوقت می شوید و چون باد سختی بوزد و کشتی را دستخوش امواج خروشان قرار دهد و خویشتن را در معرض هلاک و مرگ مشاهده کنید، آن‌گاه از روی فطرت توحیدی خدا را با اخلاص بخوانید که بار خدایا اگر ما را از این ورطه خطرناک نجات بخشی دیگر از کفر و عناد دست برداشته سپاس گزار تو خواهیم بود.» (یونس/۲۲). این مترجمان افزون بر ضمایر مخاطب «کم»، ضمایر غایب «هم» در عبارت «و جرین بهم» و «و جاءهم الموج» و «أنهم أحیط بهم» و «واو» در افعال «فرحوا» و «ظنوا» را نیز به شکل مخاطب ترجمه نموده‌اند.

### تحلیل و بررسی دومین ترجمه مبتنی بر دیدگاه دوم

این اسلوب ترجمه نیز حکایت از ارجحیت حفظ ساختار زبان مقصد نسبت به زبان مبدأ در باورهای مترجم دارد. این گروه از مفسران همچون آیتی در راستای ارائه ترجمه قابل فهم و روان، از عبارت ظاهری قرآن عدول کرده و به بازگردانی براساس دستور زبان فارسی روی آورده‌اند، لیکن تفاوت این دو دیدگاه در آن است که در نظریه اخیر، مترجمان تنها از ظاهر الفاظ گذشته‌اند، لیکن از سیاق اعراض ننموده‌اند. لذا وجه نیکوی این اسلوب بازگردانی، هماهنگی ترجمه با سیاق آیه شریفه و ساختار زبان فارسی و در نتیجه روانی و سادگی آن برای مخاطبان است. در نتیجه این گروه از مترجمان نسبت به مترجمانی که سبک معنایی را برگزیده‌اند، به مخاطب بیشتر بها داده و در برابر آیتی به متن وفادارتر بوده و در بازگردانی خود سیاق و بافت متن را منتقل نموده‌اند. لذا این اسلوب را بهترین ترجمه از این آیه شریفه می‌توان خواند.

لیکن نکته قابل تأمل در رویکرد ترجمه ارتباطی آن است که با توجه به قداست قرآن که به هر کسی و با هر شرایطی اجازه نمی‌دهد آن را در قالب دلخواه خود درآورد؛ به ویژه که قسمت عمده‌ای از اعجاز آن در ویژگی‌های صوری و نوشتاری تمثیل یافته، آیا می‌توان در مواردی که میان ساختار زبان مبدأ و مقصد تعارض وجود دارد، از ظاهر قرآن صرف نظر کرد و براساس قواعد زبان مقصد به ترجمه پرداخت؟ آیا عدول از ظاهر الفاظ نشان بی

امانتی مترجم نسبت به متن قرآن نیست؟

### برابریابی دستوری در ترجمه التفات به زبان فارسی

یکی از نکات بدیهی در ترجمه، بازگردانی متن براساس دستور زبان فارسی است؛ اما رعایت این نکته به ویژه در بازگردانی قرآن، در مواردی بر مترجمان دشوار آمده و هریک آگاهانه یا ناخود آگاه در مواردی از دستور زبان عربی در ترجمه فارسی استفاده نموده‌اند که در گذر زمان خلط ویژگی‌های زبان عربی با فارسی، موجب اغلاط فراوانی شده و از روانی و شیوایی ترجمه کاسته است. اگر همه مترجمان را مسلط بر زبان فارسی بدانیم، تنها دلیل عدم رعایت مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم، قداست ویژه آن نزد افکار عمومی و از جمله خود مترجم است. در دوران گذشته مترجمان به سبب آنکه با متن مقدسی همچون قرآن مواجه بودند که می‌دانستند قادر به ترجمه ای برابر با متن نیستند و اندک تخطی از لفظ آن، خطر انحراف اعتقادی و فقهی را دربردارد، چنان قلم و فکر خود را در بند می‌دیدند، که سرانجام از رساندن پیغام، از زبان مبدأ به زبان مقصد چشم پوشیدند و تنها به یافتن معادل‌هایی برای واژه‌های عربی اکتفا کرده و آنها را یک به یک زیر الفاظ قرآن نگاشتند. (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۱، ۳۲) حتی گروهی از مترجمان پیشین بآء تعدیه برخی از افعال عربی را که در بازگردانی فارسی هیچ نقشی ندارد، در ترجمه وارد ساخته و دستور زبان فارسی را برهم زده‌اند، به طوری که عبارت «یأت بکم الله» را چنین ترجمه کرده‌اند: «بیارد به شما خدای» (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۱، ۳۴). در چنین شرایطی یکی از دشوارترین و اصلی‌ترین مراحل ترجمه، انتقال ساختارهای دستوری مبدأ به قالب‌های مناسب زبان مقصد است؛ به ویژه آنکه گاه ترجمه صحیح و روان مستلزم برهم زدن برخی از ساخت‌های زبان عربی است، لیکن به تدریج از آن هول و هراس کاسته شده و به برکت ترجمه‌های متنوع و مختلف، دست مترجمان در رعایت الگوهای زبان فارسی گشوده‌تر شده است.

در این نوشتار برگونه ای خاص از ترجمه تأکید نمی‌گردد، بلکه مدعا این است که حتی در یک بازگردانی دقیق، مطابق و تحت اللفظی نیز، رعایت مقتضیات زبان مقصد

لازم است و حفظ دقت و امانت در ترجمه فارسی قرآن، خود مستلزم به کارگیری هر چه بیشتر الگوها و ویژگی‌های زبان فارسی است. در بازگردانی التفات نیز حفظ ساختار زبان مبدأ تا زمانی که به ساختار زبان مقصد آسیبی نرساند، لازم است. در غیر این صورت سلاست متن ترجمه شده و انتقال صحیح پیام به مخاطب، در اولویت است. لذا اگر با ترجمه التفات، پیوند اجزای کلام از بین رود، باید همه حالت‌های التفات را به یک شکل و براساس نخستین ضمیر به کار رفته ترجمه کرد؛ زیرا ضمیر اول براساس سیاق آیه و مخاطب حقیقی انتخاب شده و ضمیر بعدی به سبب التفات تغییر یافته است. (زاهد، ۱۳۹۰، ۵۲) بنابراین در آیه ۲۲ یونس همه ضمائر بر پایه نخستین ضمیر که دوم شخص ذکر شده به شکل مخاطب ترجمه می‌شود. بر همین اساس اسلوب دوم، مبتنی بر دیدگاه حفظ ساختار زبان مقصد را می‌توان صحیح‌ترین شکل ترجمه این آیه دانست.

### نتیجه

التفات به عنوان یکی از برجسته‌ترین صنایع ادبی از جایگاهی ویژه در زبان عربی برخوردار است. التفات انواع متعددی را شامل می‌گردد که بارزترین نوع آن تغییر ضمائر است، لیکن این آرایه ادبی در عین زیبایی و فصاحت در کلام عرب، در برخی موارد موجب ابهام در سایر زبان‌ها می‌گردد. از این رو اندیشمندان ترجمه آرایه‌های ادبی همچون التفات را از دشوارترین مراحل ترجمه قرآن کریم به شمار می‌آورند. التفات هر چند در زبان فارسی کاربرد دارد و در موارد بسیاری با بازگردانی آن، ترجمه همچنان روان و قابل فهم است، لیکن ترجمه آن در برخی از آیات همچون آیه ۲۲ یونس، به سبب عدم همخوانی با ساختار زبان فارسی، موجب پیچیدگی و ابهام در ذهن خواننده می‌گردد. با این حال، عموم مترجمان فارغ از این مسئله و با هدف رعایت ظاهر متن قرآن به ترجمه این دسته از التفات‌ها پرداخته‌اند؛ اما برخی از صاحب نظران معاصر در زمینه ترجمه بر این باورند که حفظ ساختار زبان مبدأ تا زمانی لازم است که از شیوایی و قابل فهم بودن زبان مقصد نکاهد. لذا آنان بازگردانی متن قرآن براساس ساختار دستور زبان مقصد را در هر



نوع ترجمه، اعم از معنایی و ارتباطی، لازم و بدیهی می‌دانند. از این رو گروه اندکی از مترجمان قرآن، اولویت کار خویش را حفظ ساختار زبان مقصد قرار داده و از ترجمه این قسم از التفات چشم پوشی نموده‌اند. آنها با بازگردانی یکنواخت تمام ضمیرآیه براساس نخستین ضمیروارد شده، ترجمه‌ای سلیس، روان، صحیح و قابل فهم ارائه نموده‌اند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرنوش، آذر تاش، *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۵.
۳. آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن* (آیتی)، انتشارات سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی نا، بی جا، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، یوسف خیاط، قم، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. الهی قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن* (الهی قمشه‌ای)، انتشارات فاطمة الزهراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۷. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تصحیح و تحقیق صدقی محمد جمیل، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۸. بروجردی، سید محمد ابراهیم، *ترجمه قرآن* (بروجردی)، انتشارات صدر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۹. حری، ابوالفضل، «بررسی شگرد التفات در پرتو ساختار اطلاعات گفتمان»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱۳۹۰.
۱۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی، هلالی و سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رادمرد، عبدالله و همارحمانی، «کاربرد التفات در بافت کلام الهی»، *فصلنامه لسان مبین*، شماره ۸، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. رحمانی، هما و عبدالله رادمرد، عبدالله، بازنگری معنایی در التفات بلاغی و اقسام و کارکردهای آن، *مجله جستارهای ادبی*، شماره ۱۷۶، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. زاهد پور، علی، *تأثیر آموزه های بلاغی (علم معانی) در ترجمه از عربی به فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ادبیات عرب، دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ ش.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۵۳ ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدزسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه محمد جواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. عکبری، عبدالله بن حسین، *التبیان فی اعراب القرآن*، بیت الافکار الدولیه، عمان - ریاض، بی تا، اول
۲۰. علی پور، حامد، *صنعت التفات واهداف آن در قرآن کریم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مطهری فردوسی مشهد، ۱۳۹۰ ش.
۲۱. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن* (فولادوند)، هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، *دارالقرآن الکریم* (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. فیض الاسلام، سید علی نقی، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. کاویانپور، احمد، *ترجمه قرآن* (کاویانپور)، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. ناظمیان، رضا، *روش هایی در ترجمه از عربی به فارسی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. نیومارک، پیتر، *روش های ترجمه*، بی جا، بی نا، ۱۹۸۱ م.
۲۸. بررسی سایر ترجمه های CD جامع التفاسیر.